

علم أصول الفقه

٥

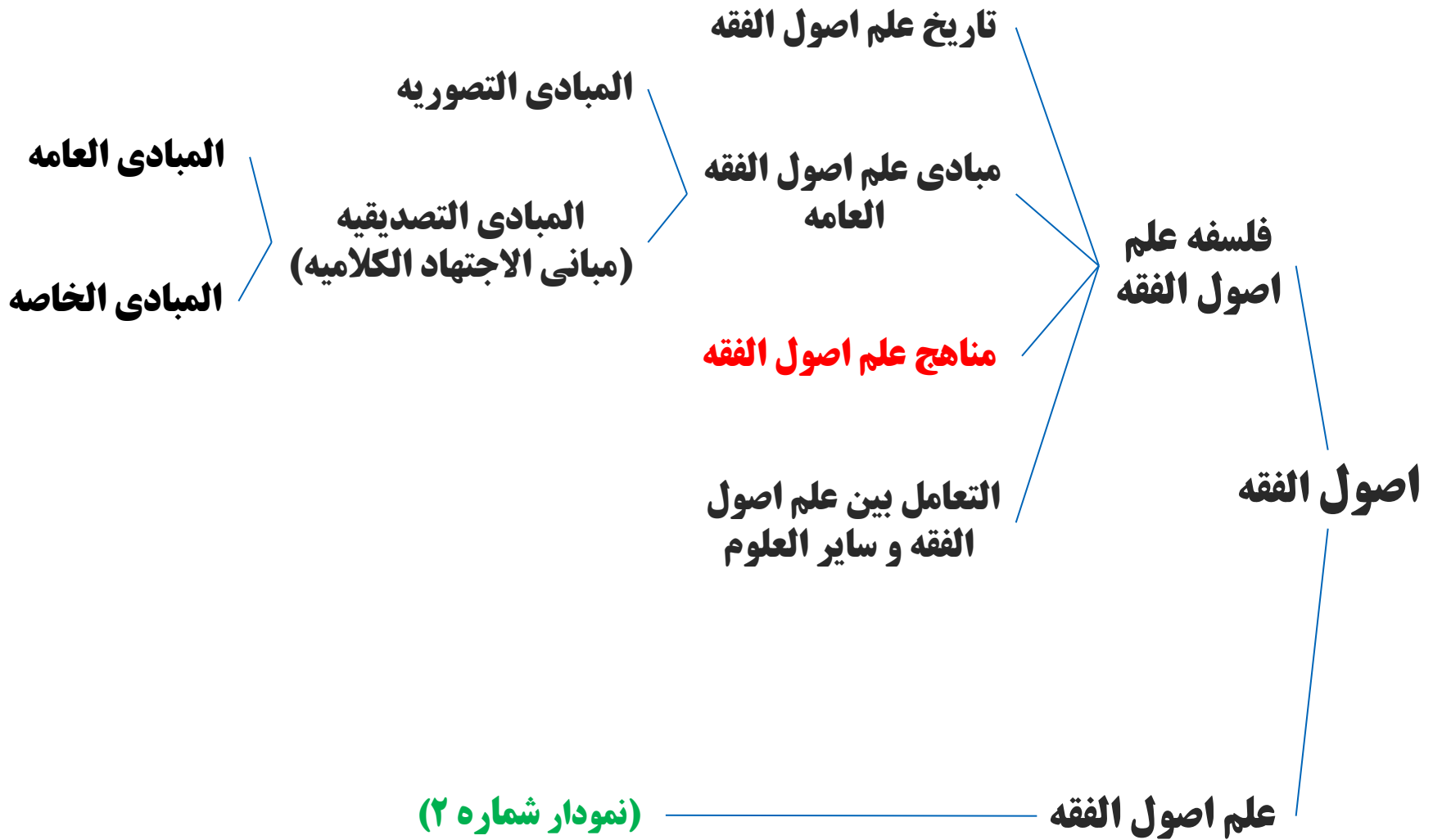
١٧-٦-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

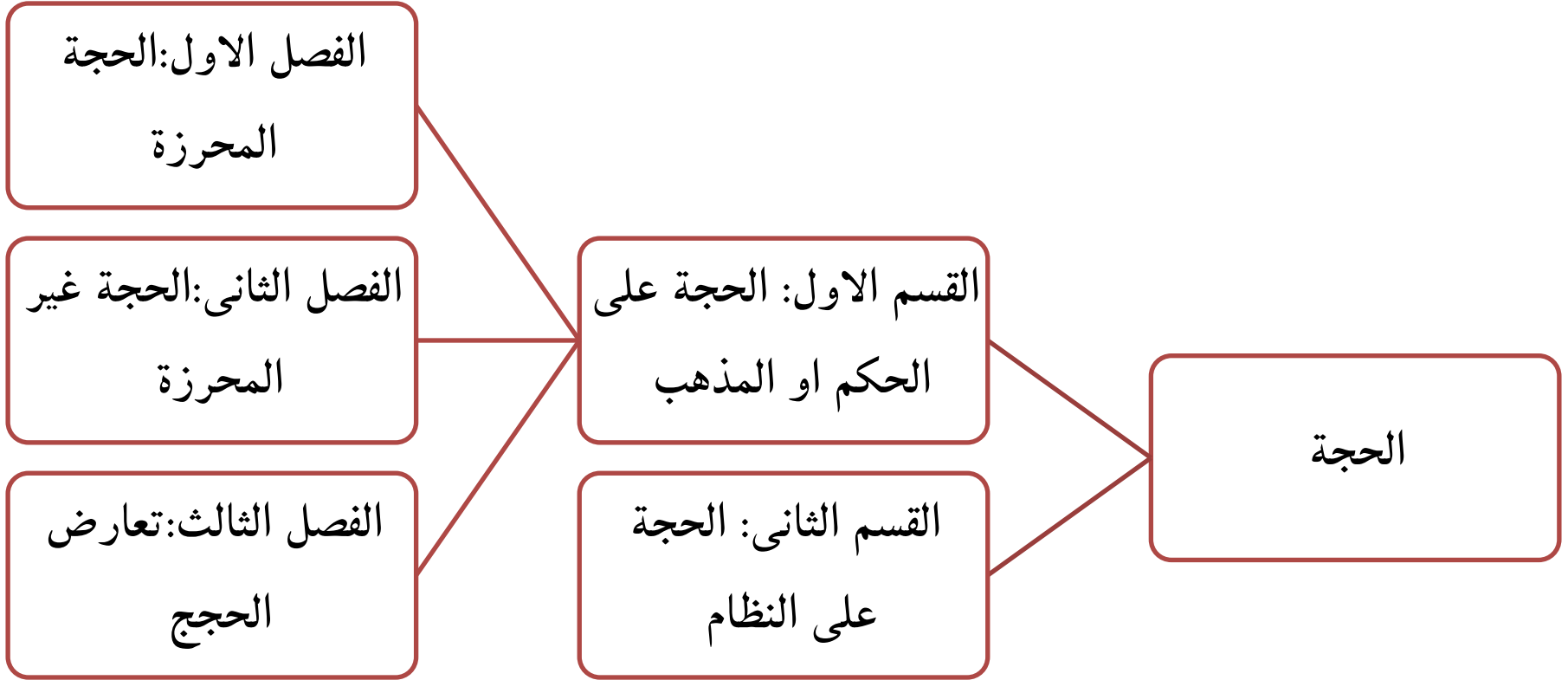
يَا عِبَادِي الَّذِينَ أُسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ اِعتصام بِاللَّهِ

• قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أُسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (٥٣) وَانبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (٥٤) وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (٥٥)

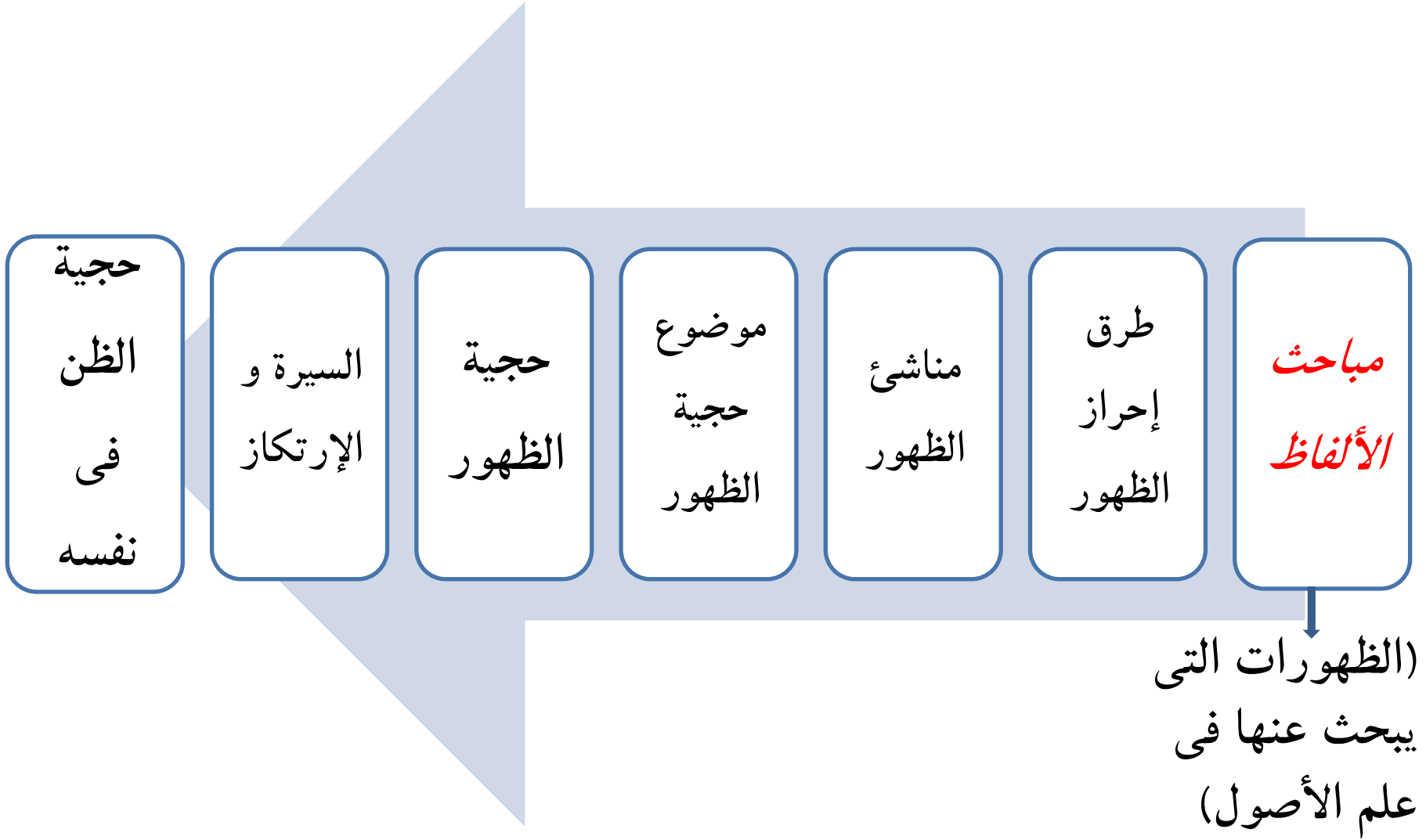
(نمودار شماره ۱)

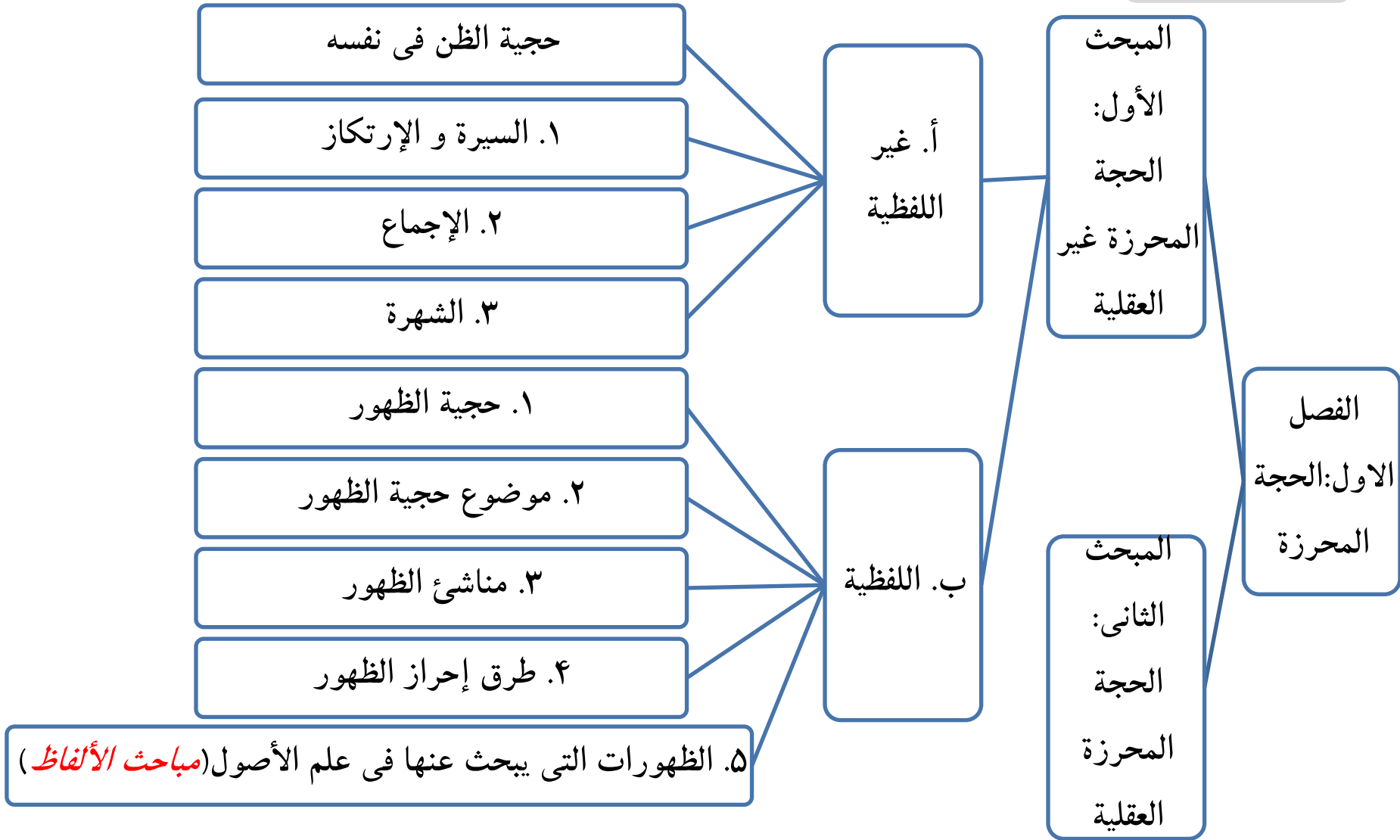


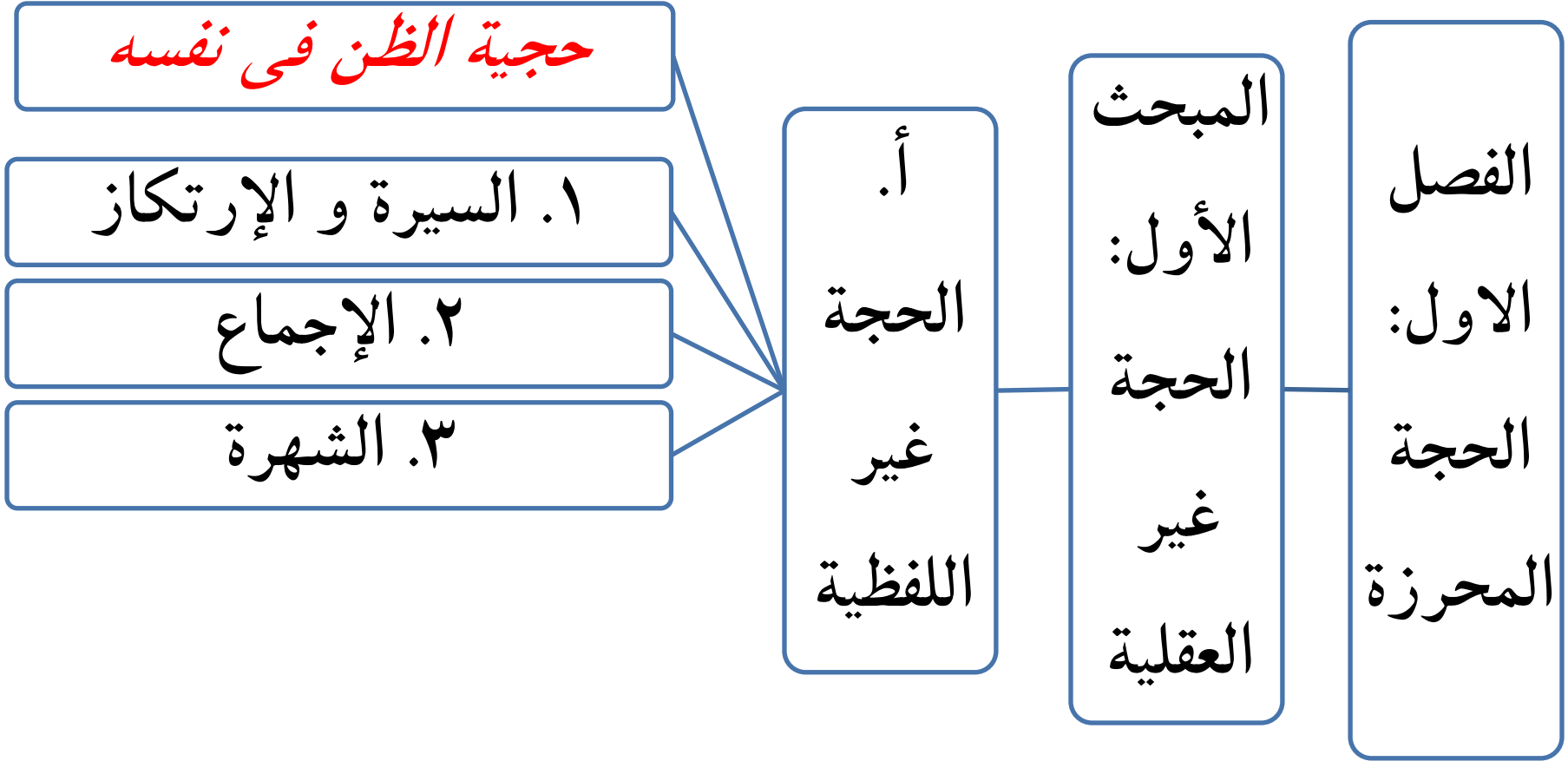
علم اصول الفقه

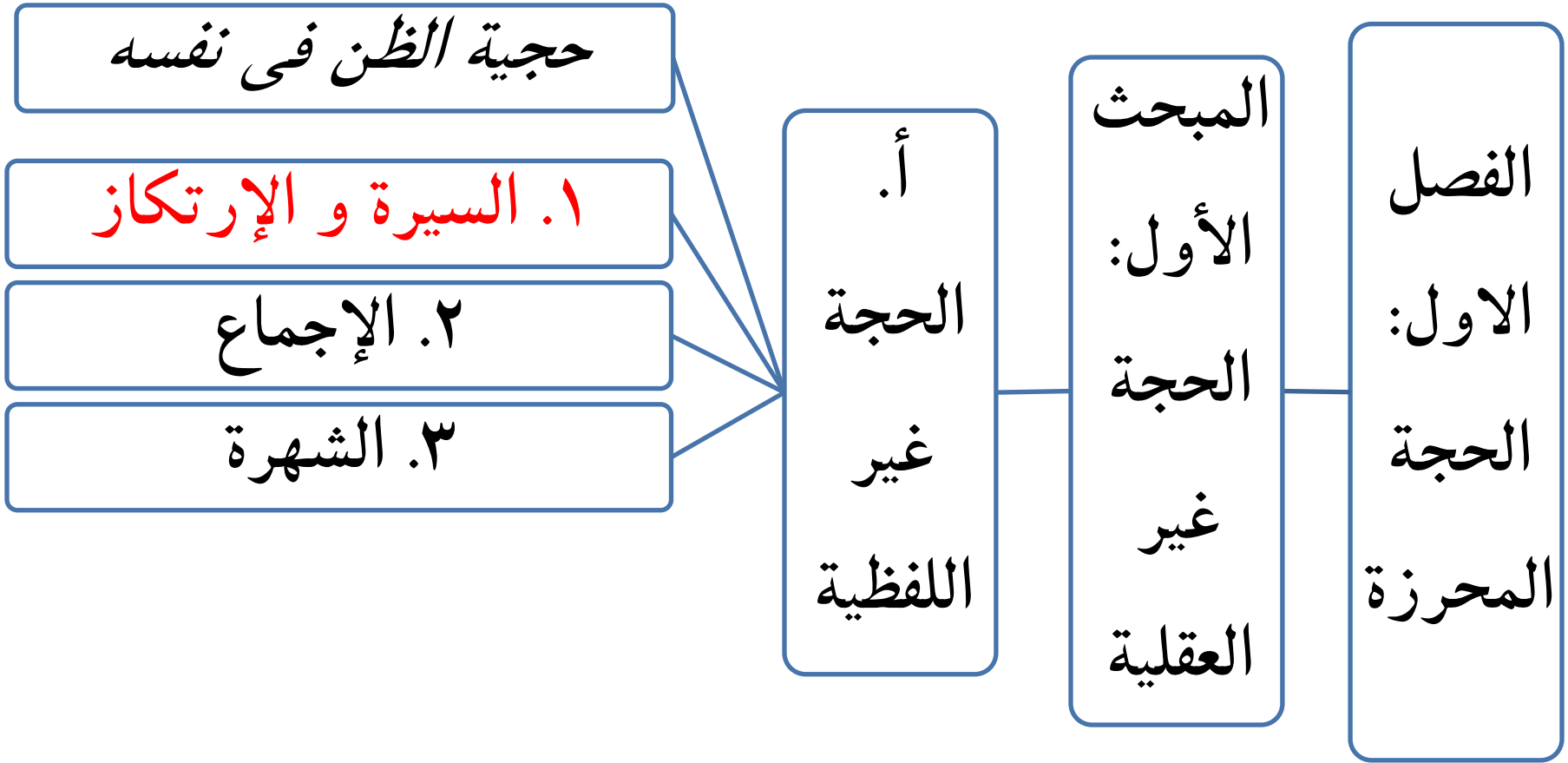


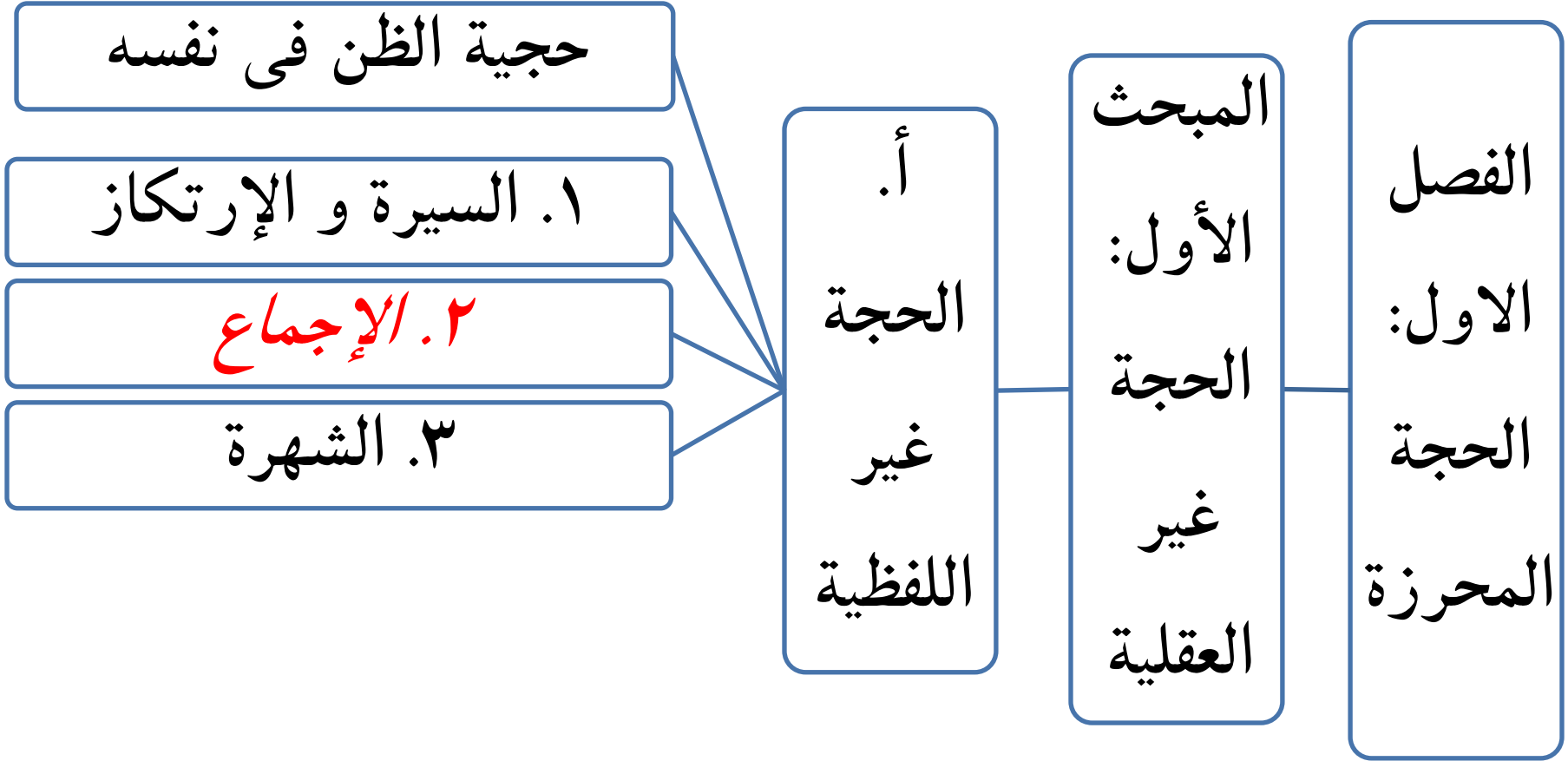
ترتيب اصول متعارف











آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

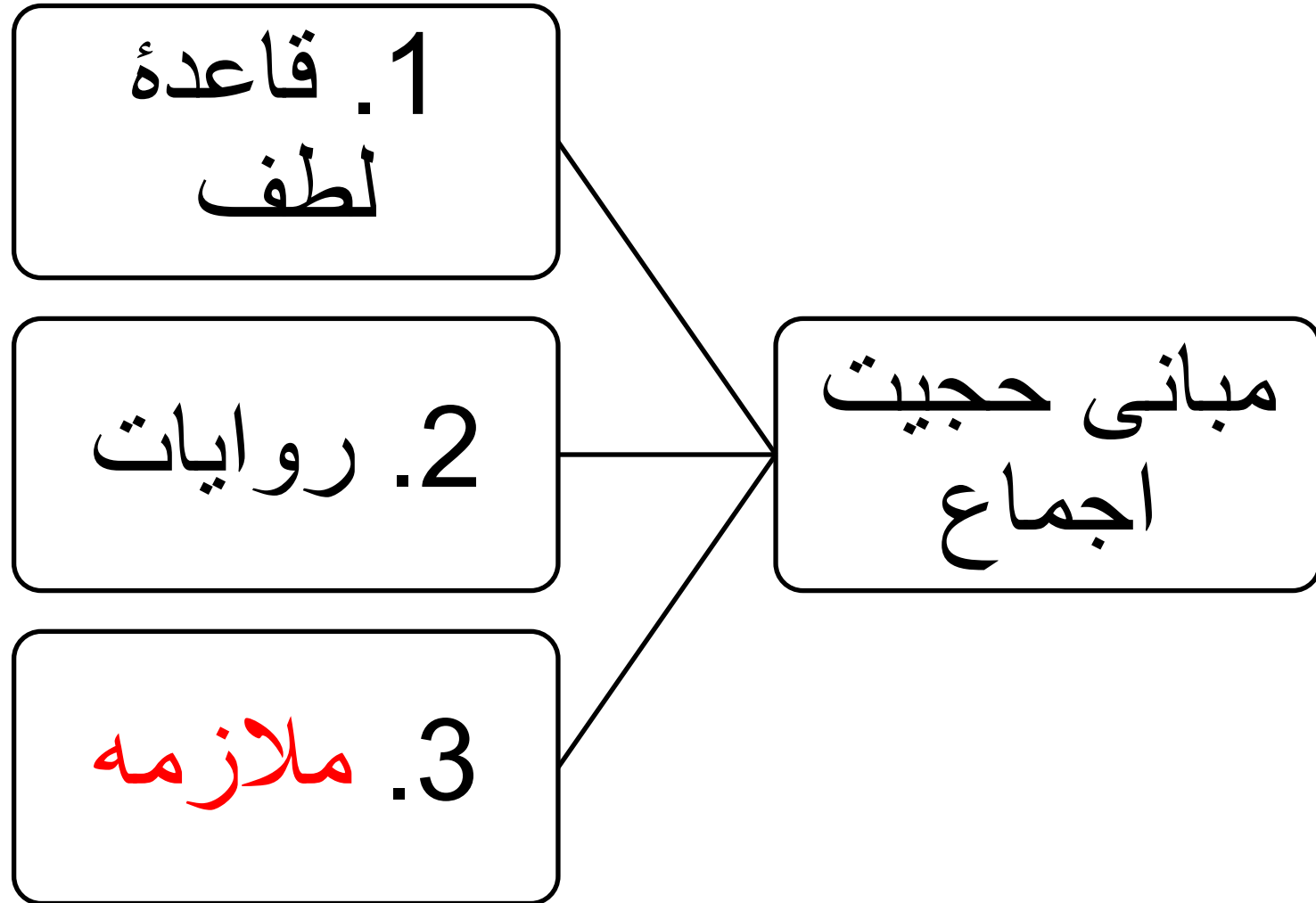
اجماع

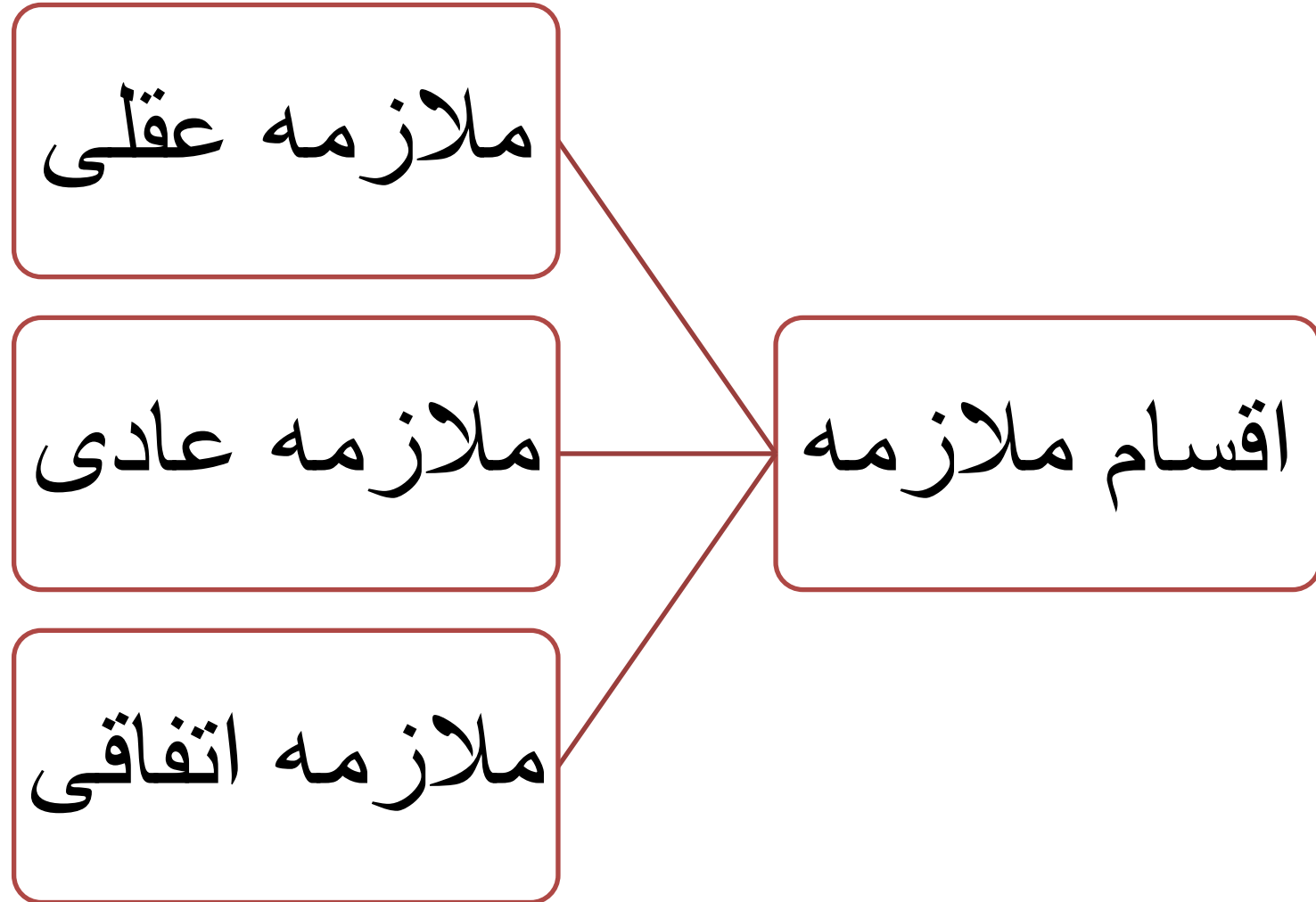
ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط





بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

انفكاك لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده اند.

ملازمه اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، اتفاقی است.

- تعبیر حدس که در اجماع حدسی می گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

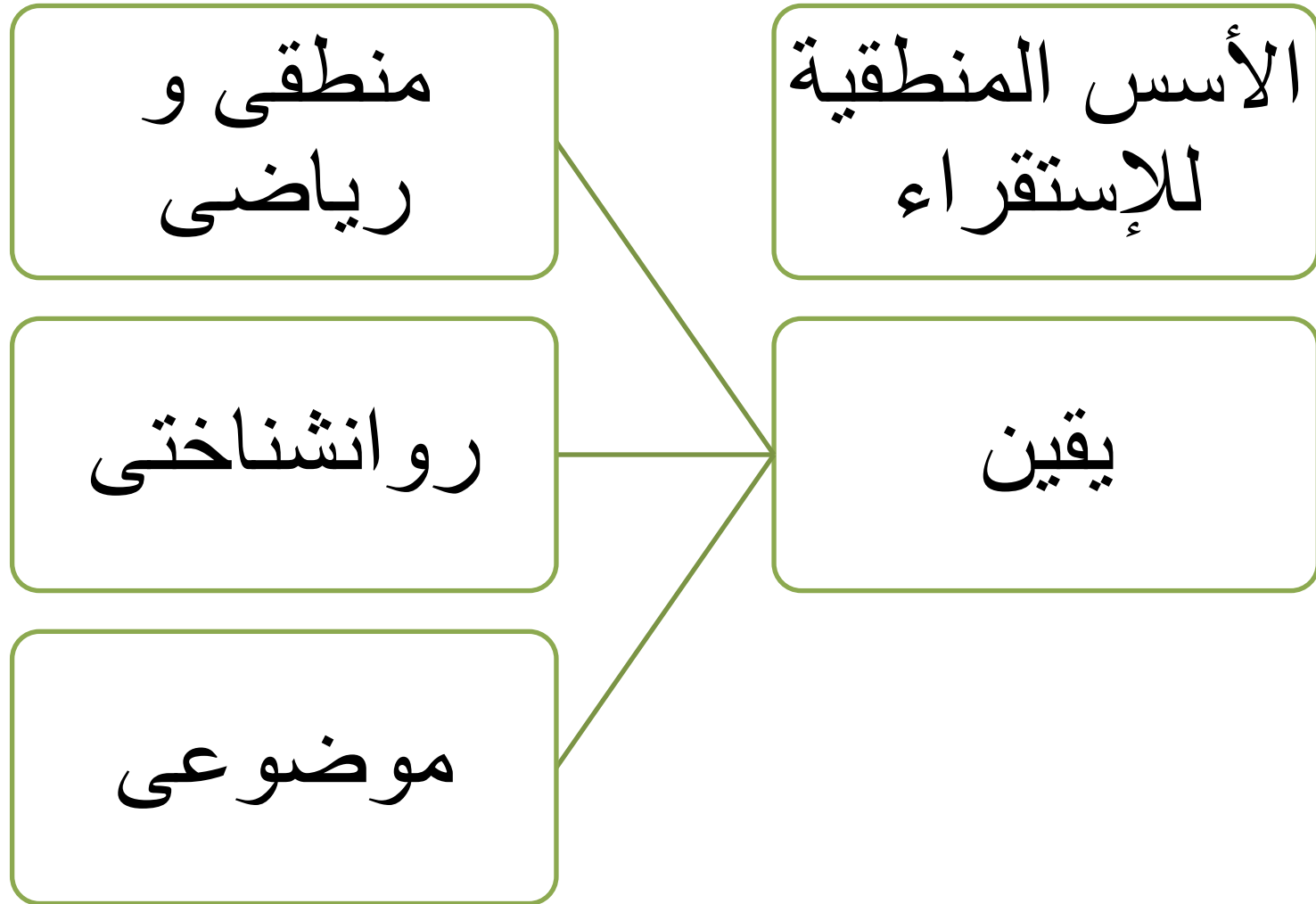
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، عادی و بر اساس حساب احتمالات است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعیین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقيه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقيه در آن زیسته است}}$$

تطبيقات اجماع

- تطبيقات اجماع
- شهيد صدر - رضوان الله عليه - دو مورد از تطبيقات اجماع را ذکر می‌کنند که اسم یکی را تطبيق ضعيف و اسم دیگری را تطبيق قوی می‌گذارد.

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

تطبيقات
اجماع

مدرکی داریم که
فی حد نفسه قوی
نیست و می خواهیم
با فتاویٰ فقها
اعتبار و اتقان آن
مدرک را ثابت کنیم

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى اجماع

تطبيقات اجماع

تطبیقات اجماع

- مثلاً اینکه باید طواف بین مقام ابراهیم و بیت باشد، مستند به یک روایت است که ضعف سندش خیلی واضح است؛ یعنی اختلافی در ضعفش نیست.
- از طرف دیگر اینکه لازم نیست طواف بین مقام و بیت باشد، هم مستند به یک روایت صحیحه است.

تطبيقات اجماع

- وقتی به فتاوی فقها مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم فقها در طول تاریخ فتوا داده‌اند که باید بین مقام ابراهیم و بیت طواف کرد؛ یعنی فتاوی فقها مطابق مفاد روایت ضعیف است. در اینجا می‌خواهیم با استفاده از این فتاوا، اعتبار این روایت ضعیف السند را ثابت کنیم.

تطبیقات اجماع

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید: این تطبیق یک تطبیق ضعیف خواهد بود؛ زیرا اولاً فتوای فقها حدسی است نه حسی.
- ثانیاً احتمال دارد فقها بر اساس ادله دیگری غیر از این روایت ضعیف فتوا داده باشند و در اجماع فرض این است که دلیل فتوای آنها را نداریم.

تطبیقات اجماع

- ثالثاً احتمال دارد در این فتوا فقها تحت تأثیر یکدیگر بوده باشند؛ مثلاً در ابتدا یکی از آنها فتوا داده‌است که باید بین مقام و بیت طواف کرد. فقهای بعدی هم گفته‌اند حتماً او دلیلی داشته که چنین گفته است. بعدی هم همین طور و بعدی تا زمان ما که با اجماع مواجه می‌شویم.
- رابعاً ممکن است همه آنها مرتکب اشتباه مشترکی شده باشند؛ مثلاً فکر کرده‌اند که خارج از محدوده مقام اصلاً عنوان طواف صدق نمی‌کند. بنابر این اگر بخواهیم با فتوای فقها ضعف سند یک روایت را جبران کنیم، تطبیق ضعیف به حساب می‌آید.

تطبيقات اجماع

- گاهی استناد فتوای فقها به دلیل محرز است؛ یعنی فقها به آن آیه یا روایت استناد کرده و فتوا داده‌اند؛ اما می‌بینیم از آن آیه یا روایت این معنا را که فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند، به راحتی نمی‌توان استظهار کرد.
- از اینجا معلوم می‌شود دلالت این آیه یا روایت بر این معنا برای آن‌ها واضح بوده است؛ مثلاً فرض کنید تعبیر «فلا جناح» دلالت بر وجوب نمی‌کند؛ ولی همه فقها فتوا به وجوب داده‌اند، از اینجا معلوم می‌شود که فقها دلیلی داشته‌اند که وجوب را برداشت کردند.

تطبيقات اجماع

- اساساً در بحث استظهار و بررسی‌های دلالی، احتمال استناد به اجماع بیشتر است؛ چون استظهار یک امر شبه حسی و ارتکازی عرفی است و فقها هم خارج از عرف نیستند، بلکه همان عرف دقیق هستند.
- بنابراین اگر همه فقها از این دلیل مطلبی خاص استظهار کرده‌اند که امروز آن ظهور را برداشت نمی‌کنیم، این احتمال به شدت تقویت می‌شود که این آیه یا روایت، چنین ظهوری در آن زمان داشته‌است.
- در اجماع فرض این است که ما فتوا را داریم ولی دلیل فتوا را نداریم و الا اگر دلیل فتوا موجود باشد، مستقیم روی دلیل فتوا بحث می‌کنیم.
- . بقره، ۲۲۹ - ۲۳۰.

